گفت‌وگوی «جوان» با خواهر شهید جواد عبدی از اعضای گردان تکاوران سپاه بیت‌المقدس

تکاوری که عاشق حراست از مرزهای کشورش بود

شکوفه زمانی

شهید جواد عبدی از اعضای گردان تکاوران سپاه بیت‌المقدس بود که حین مأموریت در سال ۱۳۹۸ در سن ۳۹ سالگی به شهادت رسید. جواد ارادت خاصی به حضرت فاطمه زهرا(س) داشت و مانند حضرت زهرا(س) با پهلوی شکسته و بازوی کبود به شهادت رسید. از شهید جواد عبدی که اهل شهرستان قروه از توابع استان کردستان بود، دختری به نام نازگل به یادگار مانده است. در گفت‌وگو با نسرین عبدی، خواهر شهید به مرور زندگی این شهید بزرگوار پرداختیم.

کار در معدن

من متولد ۱۳۵۸ و خواهر بزرگ شهید جواد عبدی هستم. ما دو برادر و چهار خواهر هستیم که آقا جواد فرزند سوم خانواده بودند. برادرم در چهاردهم فروردین ۱۳۶۰ در روستای «قزلجه کند» از توابع شهرستان قروه استان کردستان به دنیا آمد.

از همان زمان طفولیتش به امور مذهبی توجه داشت. پدرمان در معدن سنگ پا به سختی کار می‌کرد تا نان حلال برای خانواده تهیه کند. آقا جواد هم از دوران نوجوانی هر وقت از درس فارغ می‌شد، کنار پدرم کار می‌کرد و زحمت می‌کشید.

کمک به جبهه

کودکی‌های‌مان در دوران جنگ تحمیلی بود. حال و هوای جنگ و صدای بمب و موشک همه جا را پر کرده بود. من و برادر بزرگم و آقا جواد که با همدیگر یک سال اختلاف سنی داشتیم، به مدرسه می‌رفتیم. وقتی در مدرسه اعلام می‌کردند برای رزمندگان اسلام در جبهه‌ها نیاز به کمک دارند آقا جواد نفر اول بود که پیشقدم می‌شد. یادم است برای ساخت سنگر در مدرسه اعلام کردند نیاز به پول و گونی داریم. جواد وقتی به خانه رسید با اجازه مادر قلکش را برداشت و به مدرسه هدیه کرد تا اقلام مورد نیاز را تهیه کنند و به جبهه بفرستند. از همان دوران کودکی بسیار مسئولیت پذیر بود. همیشه می‌گفت کاش بزرگ بودم و می‌توانستم تفنگ در دست بگیرم و به جنگ دشمن بروم.

دکلمه در بسیج

جواد بهمن ۱۳۶۶ در دهه فجر انقلاب اسلامی در جشنی که در مدرسه برگزار شد نقش یک بسیجی را ایفا کرد. پدرم از اینکه جواد با آن سن کمش لباس بسیجی به تن کرده و دکلمه اجرا می‌کند، از خوشحالی در پوستش نمی‌گنجید. جواد از کودکی با جنگ تحمیلی آشنا شده و با تمام وجود این را درک کرده بود که باید از همه چیز گذشت، ولی اجازه نداد که یک وجب از خاک کشور به دست بیگانه بیفتد.

گروه تکاوران

آقا جواد در هیئت‌ها رشد کرد و در مکتب آقا امام حسین(ع) پرورش یافت. هجدهم اسفند ۱۳۷۸ برای گذراندن دوره سربازی و آموزش‌های تکاوری به لشکر ۸۱ زرهی سرپل ذهاب در استان کرمانشاه اعزام شد و خدمت سربازی را در تاریخ نهم مهر ۱۳۸۰ به اتمام رساند. پس از خاتمه خدمت سربازی از آنجا که برای حرکت و مبارزه به دنبال حجت شرعی بود، ضمن مشورت با بعضی افراد صاحبنظر در تاریخ پانزدهم دی ماه ۱۳۸۹ با عنوان بسیجی و به نیت خدمت به میهن در لشکر ۲۲ بیت‌المقدس شهرستان سنندج مشغول خدمت شد. او و همرزمانش در حفظ آرامش شهر نقش برجسته‌ای داشتند.

نازگل بابا

جواد چهاردهم مرداد ۱۳۹۰ ازدواج کرد و ثمره آن ازدواج، یک دختر به نام نازگل است که در سال ۱۳۹۳ متولد شد. زمان شهادت برادرم، نازگل چهار سال و شش ماه داشت. این دختر، تنها یادگار شهید است.

جواد بعد از ازدواج در سال ۱۳۹۲ تحصیلات خود را در رشته حقوق ادامه داد و در سال ۱۳۹۴ موفق به کسب مدرک کاردانی از دانشگاه علمی- کاربردی شهرستان قروه شد. شهید به خاطر حُسن انجام وظیفه، همواره از طرف فرماندهانش تشویق می‌شد. هرجا احساس نیاز بود، برادرم به عنوان کسی که آموزش‌های نظامی تکاوری را در دوران خدمتش در مراکز آموزشی فرا گرفته بود، حاضر می‌شد. جواد با شناختی که از جریان‌های فکری و سیاسی داشت در مقابله با ضدانقلاب از هیچ کوششی فروگذار نکرد و همراه با دیگر همرزمانش مبارزات شبانه‌روزی خود را شروع کرد و لحظه‌ای از این هدف متعالی دور نشد.

مبارزه با ضد انقلاب

شهید در همان اوایل ورود به سپاه، موضع آشکاری در برابر ضدانقلاب داشت. او رزمنده‌ای بود که به وسعت تمامی مرزهای غرب و شمالغرب کشور، از اشنویه گرفته تا مریوان، کامیاران و... با قدم‌های استوارش مأنوس بودند. بارها و بارها تا مرز شهادت پیش رفت اما تقدیر برای او، سعادت شهادت را در زمان دیگری نوشته بود. جواد در پذیرش مسئولیت، هیچ‌گاه عقب‌نشینی نمی‌کرد.

کلاس‌های عقیدتی

جواد در کلاس‌های عقیدتی- سیاسی شرکت فعال داشت و دیگران را هم در آموزش مسائل عقیدتی یاری می‌کرد. در کنار مسائل دینی، سعی می‌کرد تا عموم مردم را برای مسلح شدن در برابر ضد انقلاب تشویق کند. جواد از اعضای تشکیل هسته‌های اولیه گردان تکاوران سپاه بیت‌المقدس بود و همواره به حضور در این یگان تکاوری افتخار می‌کرد. اعتقاد بسیاری به حضرت آقا داشت و سعی می‌کرد با لبیک به ندای مقام معظم رهبری، از مردم در برابر ضد انقلاب محافظت کند و مرزهای کشور را در امنیت نگه دارد.

> جواد چهاردهم مرداد ۱۳۹۰ ازدواج کرد و ثمره آن ازدواج، یک دختر به نام نازگل است که در سال ۱۳۹۳ متولد شد. زمان شهادت برادرم، نازگل چهار سال و شش ماه داشت. این دختر، تنها یادگار شهید است. جواد بعد از ازدواج در سال ۱۳۹۲ تحصیلات خود را در رشته حقوق ادامه داد

شهادت لیاقت می‌خواهد

خصوصیات آقا جواد با همه ما برادر و خواهرهایش فرق می‌کرد. در مقاطع مختلف زندگی مراقب و راهنمای ما بود. رابطه من و آقا جواد فقط در خواهر برادری خلاصه نمی‌شد. رابطه بسیار گرم و صمیمی با هم داشتیم. من از او در کارها مشورت می‌گرفتم. همیشه به حجاب خواهران توصیه زیادی داشت و می‌گفت هر کاری که انجام می‌دهید فقط و فقط به خاطر رضای خدا باشد. آقا جواد با اینکه شغلش نظامی بود، اوقات فراغتش را برای مردم بی‌بضاعت کار می‌کرد بدون اینکه اجرتی بابت کارش بگیرد.

سال ۹۵ که سه همرزمش به نام‌های شهید علی پویا، شهید جواد کاکه جانی و شهید کامران حسین‌پور به شهادت رسیده بودند، ما برای تشییع پیکر شهدا به شهرستان رفتیم. همه خانواده استرس زیادی گرفته بودند چون آقا جواد در مأموریت‌های سخت و سنگین پیشقدم بود. آقا جواد از من بسیار حرف شنویی داشت، خیلی نگران برادرم بودم و از او خواهش کردم تا از کارش کناره‌گیری کند، اما در جوابم گفت: «خواهرم هر انسانی یک روز به دنیا می‌آید و یک روز هم باید از دنیا بارسفر ببندد. مگر اینهایی که شهید شده‌اند خانواده ندارند؟ این راه، راهی است که خودم انتخابش کردم و تا آخر هم ادامه می‌دهم. شهادت لیاقت می‌خواهد. اگر لیاقت شهادت را داشته باشم چه بهتر که جانم را در این راه فدا کنم.»

شهید جواد عبدی همراه فرزندش

هدیه به یک زوج

یکی از کارهای خیر جواد که همسرش نیز خبر نداشت، کمک به نقاشی خانه یک زوج جوان و نیازمند بود که تازه ازدواج کرده بودند. برادرم بابت این کار، هیچ پولی نگرفته بود. بعد از شهادتش ما از طریق همین زوج جوان متوجه کار خیرش شدیم. آنها گفتند به آقا جواد گفتیم اگر مهلت بدهید چند وقت دیگر پول‌تان را پرداخت می‌کنیم، ولی آقا جواد لبخندی زده و گفته بود: «این هدیه من به شماست.» در شب‌های قدر هم هر وقت ما به مسجد می‌رفتیم، شهید به ما می‌گفت: «هر شب، شب قدر است اگر قدر بدانیم.» برادرم مخالف غیبت بود. هرجا مجلس غیبتی بود، بلند می‌شد. اول تأکید می‌کرد که از آن موضوع خارج شوید. اگر نمی‌پذیرفتند، آنجا را ترک می‌کرد.

توسل به حضرت زهرا(س)

برادرم عاشق حضرت زهرا(س) بود. چندین بار حاجتش را از حضرت زهرا(س) گرفته بود. در گرفتاری‌ها همیشه به حضرت زهرا(س) متوسل می‌شد و به ما می‌گفت هر وقت گرفتار شدید به حضرت زهرا (س) متوسل شوید. آخرش هم مثل حضرت زهرا(س) با پهلوی شکسته و بازوی کبود به دیدار حق شتافت.

آقا جواد برای پدر و مادرمان احترام خاصی قائل بود. من و همه خواهران و برادر بزرگم در تهران زندگی می‌کنیم. آقا جواد عصای دست پدر و مادرم بود. بودنش مایه افتخار و رفتنش هم باعث افتخار والدینم شد.

> تقریباً شش ماه قبل از شهادتش بود که در سالروز تولد پدرم، کیک گرفته و به خانه او رفته بود تا برایش تولد بگیرد. پدرم از این کار آقاجواد خیلی خوشحال شده بود. چند وقتی بود که بیشتر از قبل هوای پدر و مادر را داشت. هر جا که می‌رفت آنها را با خود می‌برد

آماده برای شهادت

تقریباً شش ماه قبل از شهادتش بود که در سالروز تولد پدرم، کیک گرفته و به خانه او رفته بود تا برایش تولد بگیرد. پدرم از این کار آقاجواد خیلی خوشحال شده بود. چند وقتی بود که بیشتر از قبل هوای پدر و مادر را داشت. هر کجا که می‌رفت آنها را با خود می‌برد. سه ماه قبل از شهادتش پدر و مادرم را به مریوان برده بود. مادرم می‌گوید گفتیم جایی برای استراحت پیدا کنیم آقا جواد گفت جایی سراغ دارم که بیشتر از همه جا حال و هوای‌مان را عوض می‌کند. رفت و در کنار گلزار شهدای گمنام ما را پیاده کرد. گفت تنها جایی که حال‌مان را خوب می‌کند همین جاست. مادرم می‌گوید انگار آقا جواد می‌دانست که به زودی به جمع شهدا خواهد پیوست. شاید می‌خواست کم‌کم ما را آماده کند.

شهید مدافع امنیت

آقاجواد در تاریخ ۱۶ مرداد ۹۸ برای مأموریت دو هفته‌ای به همراه چند نفر از همرزمانش به منطقه مرزی سروآباد برای پاکسازی منطقه اعزام شده بودند. بعد از یک هفته در تاریخ ۲۲ مرداد ۹۸ حین مأموریت بر اثر سانحه‌ای به درجه رفیع شهادت نائل آمد و یکی دیگر از همرزمانش به نام شهید محسن غلامی هم بر اثر جراحات وارده، بعد از ۱۶ روز شربت شهادت را نوشید و به همرزمش جواد پیوست.

لبخند شهادت

شهادت آقا جواد مصادف شد با یازدهم ذی‌الحجه و یک روز بعد از عید قربان. من آن روز به دلایلی نتوانستم با او تماس بگیرم. صبح که از خواب بیدار شدم دلشوره عجیبی داشتم، ولی هربار که خواستم با او تماس بگیرم، کاری پیش آمد تا اینکه شب ساعت ۹:۳۰ بود که دخترم از طریق فضای مجازی متوجه شهادت دایی‌اش شده بود. دخترم تا دو ساعت از اتاقش بیرون نیامد و از نگاه من فرار می‌کرد. متوجه شدم چیزی را از من مخفی می‌کند. رنگش پریده بود و دستانش می‌لرزید. تقریباً ساعت ۱۱ شب بود که گوشی همسرم زنگ خورد. شوهر خواهرم بود. قلبم به تپش افتاد که مبادا اتفاقی افتاده است. وقتی همسرم گوشی را جواب داد حالش دگرگون شد. به من گفت جواد تصادف کرده است. همانجا متوجه شدم که برادرم به شهادت رسیده است. از تهران به طرف شهرستان حرکت کردیم. ما را به معراج شهدا بردند. وقتی صورت برادرم را باز کردم لبخند زیبا و دلنشینی روی لبش نشسته بود. صورتم را روی صورتش گذاشتم. آرامشی عجیب تمام وجودم را فرا گرفت. در آن لحظه به یاد جمله حضرت زینب(س) افتادم که فرمودند: «چیزی جز زیبایی ندیدم.»

از جنس یک شهید

برادرم در سال ۹۳ آماده شده بود تا برای دفاع از حریم حضرت زینب (س) به سوریه برود. خیلی تلاش کرد اما به دلیل شرایط خاص کردستان، لشکر اجازه نداد به سوریه برود. در آخر بی‌بی خریدارش شد و شهادت در خاک کردستان او را به آغوش کشید. خدا را شاکرم که برادری از جنس شهید به من عطا کرد.

باید بگویم که من با شهادت برادرم فلسفه شهادت را با تمام وجود درک کردم. ان‌شاءالله که بتوانم مانند حضرت زینب(س) عَلَم برادر را به دوش بگیرم و راه برادرم را ادامه دهم. از جوانان می‌خواهم که نگذارند آرمان و عقیده و منش شهدا فراموش شود و بدانند چه مردانی برای نگه داشتن عزت این مملکت از تمامی خانواده و جوانی و همه چیزشان گذشتند. خودم نیز فرزندانم را در این راه تربیت کرده‌ام که پشتیبان ولایت فقیه باشند و ان‌شاءالله بتوانند راه شهدا را ادامه دهند.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با فرمانده ناحیه حبیب پیرامون برگزاری مراسم سالروز شهادت حضرت زهرا(س) در منطقه ۱۷

یاد شهدای غزه در مراسم فاطمیه امسال پررنگ است

غلامحسین بهبودی

۲۰ سال است که در منطقه ۱۷ به عنوان دارالشهدای تهران، مراسم خودجوشی در سالروز شهادت بی‌بی دو عالم حضرت زهرای اطهر(س) برگزار می‌شود. در گفت‌وگویی که با سرهنگ علیرضا تیموری فرمانده ناحیه حبیب بن مظاهر (منطقه ۱۷) داشتیم، او می‌گوید که بانی این مراسم بسیجی‌ها، عموم مردم و خصوصاً هیئت‌های مذهبی منطقه هستند که برخی از این هیئت‌ها قدمتی چند دهه‌ای دارند.

فرمانده ناحیه حبیب در خصوص ریشه‌ها و انگیزه‌های برگزاری مراسم سالروز شهادت حضرت زهرا(س) در دارالشهدای تهران می‌گوید: مردم این منطقه در دوران دفاع مقدس بیش از ۴هزار شهید داده‌اند. بافت این منطقه مذهبی و محروم است و همین مردمی که با انگیزه‌های دینی و مذهبی همواره پشتیبان نظام اسلامی بودند، اکنون به خاطر ارادتی که به اهل بیت(ع) و خصوصاً حضرت زهرا(س) دارند، مراسم خودجوشی را همه ساله در میدان ابوذر برگزار می‌کنند که امسال این مراسم در روز ۲۶ آذرماه برگزار خواهد شد.

برپایی ۷۲ ایستگاه صلواتی به نیت ۷۲ شهید کربلا، نشان از بزرگی این مراسم دارد. تیموری درباره جمعیت حاضر می‌گوید: با توجه به قدمت ۲۰ ساله مراسم، انگیزه‌های بالای مذهبی در میان مردم منطقه، اتحاد و همبستگی بین هیئات و پایگاه‌های بسیج و... هر ساله هزاران نفر از اهالی منطقه و همین طور دیگر شهروندان از نقاط مختلف تهران در این مراسم حضور پیدا می‌کنند.

سرهنگ تیموری در تشریح برنامه‌های مراسم می‌افزاید: امسال توجه ویژه‌ای به بحث غزه داشتیم. گنجاندن پرچم فلسطین در طرح پوستر مراسم اولین مورد است. همین طور نمایشگاه کوچکی را در حاشیه مراسم به موضوع فلسطین اختصاص دادیم. سخنران‌ها و مداحان نیز توجه خاصی به این موضوع خواهند داشت و شعارهایی در حمایت از مردم غزه و محکومیت رژیم صهیونیستی سرداده می‌شود.

همایش مدیران و معلمان، فرماندهان پایگاه‌ها و مدیران سراهای محله، هر روز سر هر کلاس مدارس منطقه نقل یک حدیث از حضرت زهرا(س)، مسابقه بین ۴۵هزار دانش‌آموز در آموزش و پرورش منطقه ۱۷، زنگ فاطمی در مدارس از ایام فاطمیه دهه اول تا دهه دوم از جمله برنامه‌های مرتبط با مراسم امسال است که در سطح منطقه ۱۷ برگزار می‌شود. در روز ۲۶ آذر و مصادف با سالروز شهادت حضرت زهرا(س) و تجمع هیئات مذهبی در میدان ابوذر نیز ایستگاه‌های فرهنگی و ایستگاه‌های صلواتی به عزاداران خدمات ارائه می‌دهند. مشاوره رایگان، غرفه کودک، چهار مکان برای دوخت چادر رایگان، تعداد محدودی چادر برای کسانی که توانایی خرید چادر را ندارند، استقرار تیم پزشکی و... از جمله برنامه‌های حاشیه مراسم امسال است.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر | شماره ۶۹۲۰

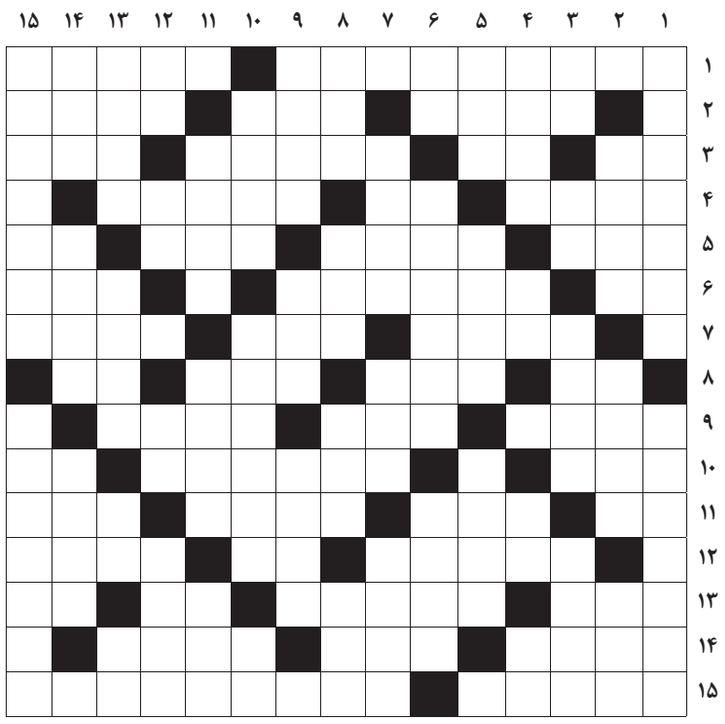

از راست به چپ

۱- مرد سال فوتبال جهان در ۲۰۲۲- تنها ماهی که نامش در قرآن آمده است ۲- کاشف آسپرین- ماهی- پیه ۳- حمله نظامی- مرغابی- قسمتی از پا- هالوژن مایع ۴- از خط‌های اسلامی- تصدیق ایتالیایی- مجانی ۵- خرمای نارس- کاشف رادیوم- جنگ- به دنیا آوردن ۶- کلمه شگفتی- پلاسما- جنس زمین فوتبال ۷- نام دیگر سوره سبحان- متضاد حضر- پرستار کودک ۸- بیهوشی- یاری- بام دنیا- آقای اسپانیایی ۹- زمین شوره‌زار- نمد زین- آتشگیره ۱۰- صدویازده- آزار و اذیت دادن- هزار کیلو ۱۱- سارق- عمل شایسته- پول استرالیا- نمایشنامه ۱۲- فارسی زبان- مساوی- جودوی چینی ۱۳- بازبان خوش می‌توان از لانه بیرون کشید- آگهی تبلیغاتی- حرف فاصله- دانه خوشبو ۱۴- حنا- اثر شاتوبریان- آزرده، ناراحت ۱۵- کلرید آمونیوم- حاکم مشهور زمان شاه عباس در کرمان

از بالا به پایین

۱- سولفات مس- سنگ سرمه ۲- خون‌آشام دریایی- آب نورد- کمانگیر معروف ۳- عنصر شیمیایی- فرز نشده- چیزها- بازی سنتی قهوه‌خانه‌ها ۴- تربیت کننده- خاشاک- رمق آخر- اسم آذری ۵- گستردن- جوش چرکین- کشور نیامی ۶- جفت ماده- آب لرزه- مجله ورزشی اصلی آلمان ۷- پیراینده- حرکت عشایر- یار بیل ۸- سر شب- آدم جدی و سختگیر- جلو و مقابل- فلز ساختمانی ۹- حشره کش قدیمی- عدد مقدس- دردناک ۱۰- درخت سدر- چاشنی فسنجان- حرف همراهی عرب ۱۱- در این سوره قرآن از افراد عیبجو نکوهش شده است- صاعقه- اصطلاحی در فوتبال ۱۲- گرفتنی سر بزنگاه- دهان- ریشه- صحرا و بیابان ۱۳- زدن و کوبیدن- حجاب برتر- نویسنده کلاغ- چهره شطرنجی ۱۴- مادر باران- سیاره ما- ابزار سنگ تراشی ۱۵- برنج شکسته- هورمون لوزالمعده

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۸		۳	۵				
۳	۹							۴
							۶	۸
			۶	۷				
							۸	۳
۸	۵	۲						
				۳	۱	۹		
	۷	۶			۵			
						۲		

جدول کلمات متقاطع
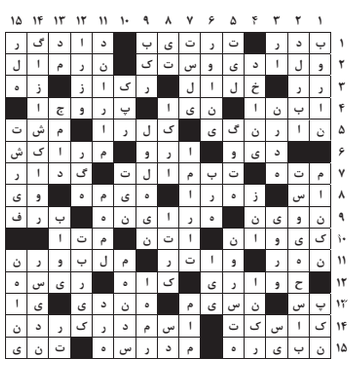
پاسخ جدول شماره ۶۹۱۹